

روایت قهرمانانی که نمی شناسیم

ادامه از صفحه ۵ / مستند «فانتوم دو» دومین قسمت از مجموعه سه قسمتی «نبرد‌های فانتوم» و روایت قهرمانان خلبان ایرانی در دفاع مقدس است؛ قهرمانانی که نمی شناسیم اما خالصانه به میدان رفتند تا ایران، ایران بماند. این اثر مستند به کارگردانی و پژوهش سالار بی‌باک، ناگفته‌هایی از تاریخ دفاع مقدس را از نگاه دو خلبان آزاده، محمدصادیق قادری و هوشنگ ازهاری روایت می‌کند. فانتوم دو محصول سازمان هنری- رسانه‌ای اوج و از فیلم‌های هجدهمین جشنواره «سینماحقیقت» است. مستند فانتوم دو داستان خود را با روزهای طلایی حکومت صدام شروع می‌کند؛ روزهای پرزرق و برق فرمانروایی دیکتاتوری که سودای زنده‌کردن گذشته در بغداد (عروس بین‌النهرین) و پایه‌گذاری شکلی ازامپراتوری حمورابی را در سر داشت و به قدرت و جایگاه خود بسیار غره بود. برای صدام، ایران پس از انقلاب ۵۷ یک حریف ترک خورده بود که به دلیل ناآرامی‌های داخلی آن از سویی و از سوی دیگر امکانات جنگی داخلی عراق و پشتیبانی و حمایت خارجی از این کشور، تمایل داشت تا یک قادسیه ۲ را رقم بزند؛ سودایی که البته هرچه پیش رفت، بیشتر متوجه گرداب بودن تفکرات و توهمات خود شد و در این میان قهرمانان مبارز ایرانی نقش برجسته‌ای در نقش برآب کردن تصورات و تخیلات این رهبر دیکتاتور داشتند. مستند فانتوم دو قصه دو نفر از دلاورمردان ایرانی، سرتیپ خلبان آزاده محمدصادیق قادری و سرهنگ خلبان آزاده محمدرضا خالدی است. خالدی و قادری از جمله آدم‌هایی بودند که در روزهای آتش و خونی که صدام حسین در ایران به‌راه انداخته بود و تصور می‌کرد ایران قدرت دفاعی لازم را ندارد، خوش درخشیدند و گرچه مدت زمانی به اسارت درآمدند اما امروز زنده‌اند تا راوی دست اول آن روزها و آن اتفاقات باشند. آن‌دو از روزی می‌گویند که به عملیات رفتند و از داستان‌هایی که پس از بمباران نیروگاه پشت‌سر گذاشته‌اند و از لحظات حساس و نفسگیری که مرگ را جلوی چشم خود دیده‌اند؛ اما این تازه شروع ماجراست. پس از یک سقوط و زمانی که موفق می‌شوند نجات پیداکنند، در سرزمین عراق گرفتار می‌شوند و به اسارت درمی‌آیند، آن‌هم با جسم و جانی به شدت مجروح و آسیب‌دیده. پس از آن درگیر شکنجه و تلاش‌های دشمن برای اخذ اطلاعات می‌شوند اما رشادت آنان به آسمان محدود نمی‌شود و در زمین هم تا روز آزادی سرازیر مخلص وطن باقی می‌مانند. شرح سرهنگ خالدی از روزی که پس از سال‌ها به عنوان یک آزاده به وطن خویش بازگردانده می‌شود، تا حدی یادآور صحنه‌های بازگشت اسرا در فیلم سینمایی «بوی پیراهن یوسف» (ابراهیم حاتمی‌کیا ۱۳۷۵) است؛ لحظات سراسر احساس، غم و غرور که حتی شنیدن آن هم اشک در چشم هر ایرانی جاری می‌سازد. روایت سرهنگ خالدی در این سکانس بسیار غم‌انگیز است؛ چرا که در آن مردی را می‌بینیم که نه سقوط هواپیما، نه شکنجه نیروهای صدام و نه اسارت او را نشکسته اما با شنیدن خبر تلخ فوت مادرش، آن‌هم در روزهای بی‌خبری از او، دنیایش ویران می‌شود.

این قهرمانان که شوربختانه همچنان و از گذر سال‌ها بسیاری از آنان را نمی‌شناسیم، بخش مهمی از تاریخ معاصر ما هستند، قهرمانانی که شایسته است سینمای داستانی و مستند همه رشادت‌هایشان را به‌گوش مردم و به‌ویژه نسل جوان برسانند. قهرمانان گمنامی که خالصانه لباس رزم پوشیدند و از جانشان گذشتند تا ایران، ایران بماند.

استقبال تماشاگران از جشنواره «سینماحقیقت»

تا پایان روز ششم جشنواره حقیقت، بیش از ۱۲ هزار نفر به تماشای فیلم‌های این جشنواره نشستند. به نقل از روابط عمومی جشنواره مستند ایران «سینماحقیقت» پنج فیلم برگزیده تماشاگران تا پایان روز ششم، به ترتیب الفبا عبارتند از: «آسانسور» به کارگردانی جواد زرقانی‌زاده، «بیجه سوم» سرنا امینی، «تورگی» توفیق حیدری، «شگرد» جعفر صادقی و «لب شور» جواد وطنی. تعداد کل

مخاطبان جشنواره از روز اول تا پایان روز ششم به ۱۲ هزار و ۵۵۳ نفر رسید. همچنین در روز ششم جشنواره، فیلم‌های بخش ملی با بیشترین تعداد تماشاگر به ۲۵۶۹ نفر رسیدند. در این روز، فیلم «رخ» به کارگردانی سام کلانتری رکورد تماشا در یک سانس را با ۴۶ نفر در سالن ۳۲۰ نفره به ثبت رساند. همچنین مستند «گیله پیرمرد» به کارگردانی علی رستگار که به تصویر کشیدن زندگی اردشیر کاظمی

نگاهی به تلاش‌های سینمای هالیوود که با هنر، جای قاتل و مقتول را عوض می‌کند

از اوپنهاایمر تا جوکر؛ تطهیر یک قاتل

در روزگاری نه چندان دور که سینما بیشتر جنبه سرگرمی داشت و لایه‌ای این سرگرمی چند حرف اجتماعی هم می‌زد، خیلی اوقات هدفش اصلاح جامعه بود نه عادی جلوه دادن کشتن مردم و میرا کردن قاتلان آنها اما در یک سال گذشته سیاستمداران با استفاده از ظرفیت تأثیرگذاری سینما تلاش کردند مردم دنیا را قانع کنند که اگرکاری انجام می‌دهند



مهدی صالحی
فردرغوی
مدرسۀ نقد جام جم

مجبور هستند. شروع این نگاه با فیلم‌های «وپنهاایمر» و «باربی» بود و آخرین آن را می‌توان «جوکر، جنون مشترک» قلمداد کرد. در فیلم اوپنهاایمر که به زندگی پدر بمب اتم می‌پردازد؛ اوپنهاایمر یک جمله طلایی (در زمانی که همکاران این دانشمند خبر پایان جنگ را می‌شنوند و از نظر آنها دلیلی برای ادامه ساخت بمب وجود ندارد) می‌گوید: «اگر ما نسازیم، آنها می‌سازند و معلوم نیست عاقبت دنیا چه می‌شود؟» همین یک جمله کفایت می‌کند تا بگوید دولتمردان آمریکا و هم‌پیمان‌هایش نبیتی به‌جز خدمت به مردم (با کشتن برخی از افراد بی‌گناه) ندارند.

اما هدف فیلم موزیکال باربی که هم‌زمان با اوپنهاایمر روی پرده سینماهای جهان رفت، یک چیز بود: «مردم دنیا، آمریکا برایتان شادی و امنیت را به ارمغان می‌آورد.»

بعد از این دو فیلم بود که ماشین کشتار بی‌رحمانه اسرائیل در غزه راه افتاد و به هیچ‌کس رحم نکرد و کار به جایی رسید که این بار خود یهودیان ساکن در فلسطین نیز صدایشان درآمد و خواستار محاکمه و برکناری نتانیاهو شدند ولی طبق قوانینی که دارند در زمان جنگ امکان چنین کاری میسر نیست و از آنجایی‌که نتانیاهو می‌داند (که اگر جنگ تمام شود محاکمه می‌شود)، به دنبال گسترش آن است ولی این روزها پایان عمر کاری رئیس‌جمهور دولتی خونخوار است. اما از کجا می‌توان به چنین نتیجه‌ای رسید؟

همان‌طور که همه چیز از یک فیلم شروع شد، این بار هم همه چیز با یک فیلم تمام می‌شود. فیلم موزیکال عاشقانه یک قاتل به نام «جوکر، جنون مشترک» با کارگردانی «تاد فیلیپس» و بازی «واکین فینیکیس» در نقش آرتور فلک (جوکر) و لیدی گاگا در نقش دکتر هارلین «لی کوینزل» روان‌پزشکی که عاشق آرتور می‌شود و داستان محاکمه و تلاش او و وکیلیش ماریان استوارت (کاترین کینر) برای نشان دادن بی‌گناهی‌اش به‌دلیل جنون آنی (که به قول روان‌شناسان: «ریشه در کودکی دارد») را روایت می‌کند.

شاید قسمت اول فیلم جوکر رادیده باشید، شخصی که در برنامه‌های مختلف به عنوان کم‌دین فعالیت می‌کند، به دلیل ناملایمات جامعه دست به کشتن پنج نفر از مردم شهر و مادرش می‌زند و در نهایت توسط پلیس دستگیر و روانه زندان می‌شود. در قسمت دوم، دختری به نام لی کوینزل، عاشق جوکر می‌شود که به خاطر آتش‌زدن عمدی منزلمان در مرکز با زیروری بیماران روانی تحت درمان است. او به صورت اتفاقی در گروه شعرخوانی این مرکز با جوکر هم‌کلام می‌شود و به وی می‌گوید که جرأت آتش‌زدن خانه‌شان را بعد از دیدن اولین قتل‌های او به دست آورده و

الگوی زندگی‌اش جوکر است. این فیلم که بیشتر آوازه‌ای عاشقانه دارد تا زمان شروع دادگاه حرفی برای گفتن ندارد اما در سکانس دادگاه این وکیل است که جور اثبات بی‌گناهی تمام کشتارهای جوکر را به دوش می‌کشد و لحظه طلایی آن را می‌توان تقابل با روان‌شناس دانست که می‌گوید: «شما چگونه با ۸۹ ساعت گفت‌وگو تشخیص دادید او بیمار نیست؛ در صورتی‌که او در دوران کودکی زخم‌های بسیاری خورده و ناملایمات اجتماعی فراوانی را تجربه کرده و شما آنها را نادیده گرفتید!»

اگر بباییم جوکر را به صهیون تشبیه کنیم و افراد حاضر در این دادگاه را افکار عمومی ساکنان این کره خاکی بدانیم و قاضی و اعضای هیأت منصفه را دولت‌های غرب و شرق و برگردیم به اتفاقات جنگ جهانی دوم که حدود ۸۹ سال از شروع آن واقعه می‌گذرد، به نظر شما ساخت و پخش این فیلم اتفاقی است و نمی‌توان گفت این فیلم برای تطهیر قاتلان مردم بی‌دفاع ساخته شده است؟ تصور کنیم که ۸۹ سال پیش به این قوم ظلمی شده است و آیا امروز باید تقاض آن را از دیگری گرفت؟ به قول معروف «گنه‌کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زندگرددن مسگری». اگر می‌خواهید جیران گذشته را کنید باید سراغ هم‌پیلانگان خود در آمریکا و اروپا بروید نه در آسیا و مردمی که به شما پناه دادند. ارجاعات می‌دهم به عکس روی کشتی در زمان جنگ جهانی دوم با پلاکاردی به دست خواستار محبت مردم این سرزمین شدید که روی آن نوشته بود: «ما را از خانه‌هایمان بیرون کردند. شما به ما پناه دهید.»

در اشعار و ترانه‌هایی که در این فیلم خوانده می‌شود به «کوه» اشارات فراوانی می‌شود و در پایان این نویدرامی‌دهد که جبرئیل (ع) برای آنها خبر خوشی می‌آورد و آن تولد فرزندی جدید است. در تورات کتاب آسمانی یهودیان به چند کوه مقدس اشاره شده که شامل «کوه سینا» (حضرت موسی (ع) در آنجا ۱۰ فرمان را از خداوند دریافت کرد)، «کوه موریا» (حضرت ابراهیم (ع) برای قربانی کردن فرزندش اسحاق (ع) به آنجا رفت)، «کوه کارمل» (موضوع مبارزه ایلیا نبی (ع) برای اثبات خدا) و «کوه صهیون» (همان «کوه اورشلیم» و نماد محل سکونت خداوند در میان قوم اسرائیل) است ولی در تورات به صورت مستقیم به جبرئیل (ع) اشاره نشده است و در کتاب‌های پس از تورات مانند کتاب دانیال (ع) از جبرئیل به‌طور مستقیم نام برده شده است. او به عنوان فرشته‌ای ظاهری می‌شود که وظیفه دارد پیام‌های خدا را برای دانیال (ع) تفسیر کند. از دیگر موارد قابل توجه در این اثر می‌توان به لحظه انفجار دادگاه توسط طرفداران جوکر اشاره کرد که باعث فرار او می‌شود و به این

می‌پردازد و مستند «فاطمی» به کارگردانی امیرحسین سیاح و فرمان عسگری‌کیا که خدمات شهید دکتر فاطمی را روایت می‌کند از دیگر فیلم‌های پرمخاطب جشنواره در این روز بودند. همچنین علاوه بر نمایش فیلم‌ها، در روز پایانی جشنواره کارگاه «استفاده خلاقانه منابع آرشویی در سینمای مستند» به مدیریت مهرداد زاهدیان و مسترکلاس آنلاین «جاشوا اوپنهاایمر» نیز برگزار شد.



موضوع اشاره دارد که دولت‌های غربی خواهان مجازات عامل کشتار مردم بی‌دفاع هستند ولی طرفداران او اجازه چنین کاری نمی‌دهند. در پایان هم جوکر که به شخصیت اصلی خود برگشته، توسط معشوقه‌اش طرد می‌شود و در نهایت توسط یکی از هوادارانش در زندان به قتل می‌رسد. همچون حضرت عیسی مسیح (ع) که توسط یکی از حواریون خود به دست دشمنان گرفتار شد. هرچند بازیگری و طراحی صحنه این فیلم از نظر منتقدان جذاب و قابل قبول است ولی فیلمنامه ضعیف و به دور از انتظار نوشته شده است و بیشتر یک

حالت فرار به جلو دارد تا سیاستمداران غربی را خوب نشان دهد.

جشنواره فیلم پرواز در ایستگاه پایانی

ششمین جشنواره بین‌المللی «فیلم پرواز» با حضور فیلمسازان و داوران در سالن اصلی برج آزادی به پایان رسید. محسن حسینی، رئیس مجموعه فرهنگی برج آزادی در آیین پایانی جشنواره به اهمیت پرداخت به موضوع توانبخشی و جامعه توانبخشان در سینما اشاره و اظهار امیدواری کرد که در دوره‌های آینده، این جشنواره حمایت بیشتری از سوی ارگان‌ها دریافت کند. مهرداد سلیمانی، دبیر جشنواره نیز اعلام کرد که در این دوره ۳۲۰۰ اثر از سراسر جهان به دبیرخانه ارسال شده که ۹۸ اثر به مرحله نهایی راه‌یافته‌اند. فتنه امیری، بنیانگذار جشنواره «فیلم پرواز» نیز به بی‌مهری‌های موجود نسبت به جامعه معلولان و جشنواره اشاره کرد و گفت: این جشنواره در ششمین دوره خود با چالش‌های زیادی مواجه بوده و امیدوار است که با حمایت‌های لازم بتواند به فعالیت خود ادامه دهد. این جشنواره که به اهمیت سینما در حوزه توانبخشی می‌پردازد، از بیستم آذر آغاز به کار کرده بود.



«خجالت نکش ۲» نیم‌بها شد

سه‌شنبه، ۲۷ آذر ۱۴۰۳، فیلم سینمایی «خجالت نکش ۲» با بلیت نیم‌بها به نمایش درمی‌آید. این‌امکان هفته گذشته نیز برای مخاطبان فراهم شد که با استقبال خوبی از طرف مخاطبان روبه‌رو شد. خجالت نکش ۲ به تهیه‌کنندگی امیر پروین حسینی، کارگردانی رضا مقصودی و نویسندگی افرا جورابلو که اکران خود در سینماها را به پایان رسانده، در این مدت فروش ۸۶ میلیارد تومانی را کسب کرده است. این فیلم کم‌دی محصول ۱۴۰۲ است، ۹۵ دقیقه زمان دارد و از ۱۷ مهر وارد چرخه اکران آنلاین شده است. از بازیگران این فیلم می‌توان به احمد مهرانفر، شبنم مقدمی، بهاره کیان‌افشار، بهرنگ علوی، محمد معتمدی، سعید امیرسلیمانی و مجید شهریار ی اشاره کرد. داستان خجالت نکش ۲ ادامه ماجراهای قنبر و صنم است که با چالش‌های جدیدی در زندگی مشترک خود مواجه می‌شوند. این فیلم به روایت عشق، شوخی و ماجراجویی‌های شخصیت‌های خجالت نکش ادامه می‌دهد.



اکران «مردمان باد» در موزه سینما

فیلم مستند «مردمان باد» در بیست و چهارمین نشست «شب‌های مستند» که ۲۶ آذر ساعت ۱۷ در موزه سینما برگزار می‌شود، به نمایش درمی‌آید. **مردمان باد** به تهیه‌کنندگی آنتونی هاوارد و دیوید کاف است و **ارد عطاریور، ابراهیم موسوی‌نژاد** و **فخرالدین سیدی** درباره فیلم صحبت خواهند کرد. **مردمان باد روایت به تصویر کشیدن مهاجرت‌های شگفت‌انگیز اقوام بختیاری در زردکوه بختیاری و آب‌های یخی آن است و در سال ۱۹۷۶ با تصاویری واقعی زنده (بدون حضور بازیگر) ثبت شده است.**

